



نقش اهرمن!

دور! ای خسته از این راه تباه
[...]

ای بسا غول فریب
که در آن گوشه نشسته است به راه تو، به پاس

ما از مدافعان دمکراسی و آزادی بیان می‌خواهیم از شرکت در هر گونه تجمع و تظاهرات سیاسی خودداری کنند. حکومت اسلامی در مسیر استعماری «خودبراندازی» پای گذارده و به همین دلیل است که ادبیات سیاسی طرفداران و مخالفانمیان آن به ورطه افراط افتاده. از اینرو و داس‌الله نیز که تا دیروز در آغوش نعلین جا خوش کرده بود و برای محمد خاتمی سینه می‌زد، اکنون به همان زبان



عاشورا و از سوی دیگر به تکرار سخنان ابلهانه خمینی که در بیانیه موسوی «بازتولید» شده همت گمارده.

دور شو، دور که در سینه آن چشمه خشک
گرزه مارست که چنبر زده بر دامن سنگ
تشنه جان تو تا از بن دندان ستیز
[...]

پای چالاک کن این سایه اوست
نقش آن اهرمن ست اینکه در افتاده به سنگ

ابتدال آخوندی به انتقاد از «اومانیست‌ها» مشغول شده و دیگر به کمتر از «انقلاب کارگری» رضایت نمی‌دهد. روشن‌تر بگوئیم یک بار دیگر برای استقرار فاشیسم نوین در ایران، «چپ‌نمایان» جیره‌خوار سازمان سیا دست دوستی به سوی افراط‌گرایان راست دراز کرده‌اند. «بی‌بی‌سی» هم طبق معمول نقش شیپور فاشیست‌ها را ایفا می‌کند. رسانه حاکمیت بریتانیا با انتشار هفدهمین بیانیه میرحسین موسوی، با یک تیر چندین و چند نشان زده. این رسانه با انتشار بیانیه مذکور از یکسو، به تأیید تلویحی همه «شایعات» پیرامون «قتل» تظاهرکنندگان

در واقع، هر چه اوضاع آمریکا و متحدان‌اش در افغانستان وخیم‌تر می‌شود، صدای زوزه سگ‌های هارشان در کشورمان بلندتر و بلندتر به گوش می‌رسد. کار به جایی رسیده که برای ارباب ما ملت، هر دو گروه جیره‌خوار آمریکا در مورد «قتل محارب»، «توهین به عاشورا» و سردادن عربده شبنانه «الله‌اکبر» و «شهادت در راه اسلام عزیز» به «اجماع» رسیده‌اند! منتهی یک گروه، علاوه بر «الله‌اکبر» یک عربده «خامنه‌ای رهبر» هم ضمیمه خواهد کرد. این نمایش مهوع خشونت‌بار بازتولید همان برنامه آنگلو ساکسون‌ها در پاکستان است که در ایران به صحنه آمده: جنگ حکومت طالبان با گروه طالبان‌تر!

این هیولای سیاه
چیست کآویخته از دور به راه تو نگاه
چه هوس‌های فروزنده و امید دراز
که فرو مرده و پوسیده در این دشت خموش

پس از ۶ ماه لات‌بازی، عاقبت میرحسین موسوی با صدور یک بیانیه مضحک و مزورانه «روغن چراغ ریخته را نذر مسجد کرده»، برای «شهادت» ابراز آمادگی فرمود. نیازی به توضیح نیست که کرکس‌های طالبان پرور بلافاصله «خبر» رشادت «حسین» ۶۸ ساله را به گوش جهانیان رسانده و تأکید کردند که «موسوی» حاضر است جان خود را در راه «پیروزی اصلاحات» فدا کند. پیشتر گفتیم که اربابان میرحسین موسوی از او خواسته‌اند تا نقش حسین را ایفا کند. البته این حسین با آن حسین صحرای کربلا تفاوت‌هایی دارد که از چشم اعضای سازمان ناتو پنهان مانده! نخست اینکه حسین اسطوره‌ها جوان بود و هرگز در حاکمیت، آنهم به عنوان عامل سرکوب

استعمار شرکت نکرده بود. حال آنکه حسین هزاره سوم نزدیک به هفتاد سال عمر کرده و در کارنامه درخشان‌اش فقط سی سال جنایت و تاراج و سرکوب به چشم می‌خورد! ساده‌تر بگوئیم حسین دوران مدرن پس از سی سال کارگزاری یک حکومت که به قول خودشان «یزیدی» است، اینک می‌خواهد برای تأمین منافع ارباب در ایران نقش امام حسین «اسطوره‌ها» را ایفا کند. به همین دلیل بود که روز عاشورا یک «ابوالفضل شهید» تقدیم‌شان کردند تا بدانند و آگاه باشند که باید تا آخرین نفس به نوکری ادامه داد.

کاروان‌ها زده اندر خم این گردنه، دزد
دور شو! از دل این دره که این کوه فسون خیز بلند
رازها دارد از آن کهنه هراس

همچنانکه گفتیم هدف آنگلو ساکسون‌ها تحمیل اسطوره‌های شیعی مسلکان به ادبیات سیاسی ایران در هزاره سوم است، و برای تحقق چنین اهداف مقدسی باید شاهد «تظاهرات مکمل» حکومت و مخالف‌نمایان‌اش باشیم. تظاهراتی که جز عمده و اکره حکومت و شوت و پرت‌ها احدی در آن شرکت نمی‌کند. به عبارت دیگر در سراسر کشور، مجموع تظاهرکنندگان - چه مخالف و چه طرفدار دولت - با آن ۸۵ درصد «جادوئی» که سازمان سیا برای ایجاد مشروعیت جهت نوکران‌اش در افکار عمومی غرب در بوق گذاشته بود حداقل ۶۰ درصدی فاصله دارد! روشن‌تر بگوئیم با این تظاهرات حداقل دروغ اربابان حکومت طالبان جمکران در لندن و واشنگتن برملا شده.

باری پس از شکست تظاهرات عاشورا، اربابان حکومت اسلامی خواهان استقرار نوکران‌شان در جایگاه رهبران «اوپوزیسیون» شده‌اند، البته به عنوان داوطلبان شهادت. صدور بیانیهٔ بیش‌رمانهٔ میرحسین موسوی را در این راستا می‌توان تحلیل کرد. این بیانیه جهت سرکوب مخالفان حکومت و به پشت صحنه راندن مطالبات صنفی صادر شده، و هدف صادرکنندگان واقعی آن آغاز شیخون و تهاجم پس از «عقیده‌سازی» و «سربازگیری» پیرامون «آزادی‌ها»، یعنی «آزادی زندانیان سیاسی» و چند آزادی فریبندهٔ دیگر از جمله «آزادی مطبوعات» است. پس همینجا یادآور شویم که «زندانیان سیاسی» از نظر موسوی به همان زندانیان «تزیینی» حکومت محدود می‌شوند. زندانیانی که جهت توجیه مشروعیت «جنبش سبز» در «هتل - زندان‌های» جمکران فعلاً اقامت گزیده‌اند، و پیوسته در جریان اخبار «نگران کننده» از وضعیت جسمانی‌شان قرار می‌گیریم. در مورد «آزادی مطبوعات» نیز آقای موسوی بهتر است چارچوب این «آزادی» را در برابر افکار عمومی مشخص کنند. پس از مشاهدهٔ عملکرد موسوی و کروی طی سه‌دههٔ گذشته مشکل می‌توان «اعتقاد» اینان را به آزادی مطبوعات پذیرفت!

ولی منظور از «آزادی زندانیان سیاسی» و مطبوعات هر چه باشد، به صراحت می‌بینیم که در بیانیهٔ احمق‌فریب اخیر، موسوی دیگر از «تقلب» سخن به میان نیاورده! ایشان با پرروئی تمام ضمن سرقت بخشی از مطالبات «غیرصنفی» ایرانیان، از جمله «آزادی زندانیان سیاسی» خواهان آزادی‌های دیگری نیز می‌شوند که در گسست کامل با مسائل اقتصادی و معیشتی ایرانیان قرار گرفته، صرفاً جنبهٔ پوچ و «سیاسی» دارد. در این راستا موسوی

ضمن تأکید بر اصل ۲۷ قانون اساسی گنگ و متناقض حکومت اسلامی، خواهان «آزادی تجمعات سیاسی» نیز شده! تجمعاتی که طبق همان اصل ۲۷ نمی‌باید «مخل به مبانی اسلام» تلقی شود! پیشتر در مورد ابهام قانون اساسی و اصل ۲۷ توضیح داده‌ایم پس تکرار مکررات نکنیم بهتر است.

باری میرحسین در بیانیهٔ خود «دولت پاسخگو» هم می‌طلبد! می‌دانیم که شخص موسوی طی دوران نخست وزیری خیلی «پاسخگو» بود، و مسلماً به دلیل «آگاهی» و «عادت» به پاسخگوئی، امروز نه تنها مفهوم «دولت پاسخگو» را نیک می‌شناسد که خواهان پاسخگوئی دولت مهرورزی به مشکلاتی شده که ریشه در سه دهه حکومت توحش بر ملت ایران دارد. خلاصه کنیم بیانیهٔ موسوی هدفی جز گسترش آشوب جهت ایجاد فرصت برای اربابان دنبال نمی‌کند. به عبارت دیگر اربابان موسوی قصد دارند فضای اجتماعی کشور را با هیاهوی سیاسی پیرامون واژهٔ پوچ «آزادی» و «مقدسات اسلامی» اشغال کنند.

در این راستا، میرحسین موسوی ضمن ابراز تأسف از «توهین به عاشورا»، برای «شهادت» نیز ابراز آمادگی کرده و به همه یادآوری می‌کند که «استقلال» هم دارد! البته در کشورمان، از این قماش «استقلال» برای همهٔ جیره‌خواران کارخانهٔ رجاله پروری فراهم بوده و هست. ولی دورهٔ توزیع رایگان چنین آزادی و استقلال، ویژهٔ نوکران انگلوساکسون‌ها دیگر به سر آمده.

و اما در گیرودار این لات‌بازی استعماری میرحسین است که نیویورک‌تایمز، با وقاحت همیشگی، زبان به تأیید حکومت اسلامی گشوده و «تئوکراتیک» بودن آنرا بکلی

نفی می‌کند، البته به بهانه همدردی با تظاهرکنندگان روز عاشورا! همان‌ها که روز گذشته هم در صفوف «طرفداران دولت» به نفع خامنه‌ای شعار می‌دادند. بله، بوق طالبان پرستان سازمان سیا به این نتیجه رسیده که حکومت اسلامی جمکران دیگر «الهی» و آسمانی نیست، چرا که در روز «مقدس» عاشورا تظاهرکنندگان «مسلمان» را به قتل رسانده، و این جنایات ثابت می‌کند که حکومت اسلامی جمکران دیگر نمی‌تواند یک «تئوکراسی» به شمار آید! به عبارت دیگر شیپور گروه برژینسکی چنین القاء می‌کند که «حکومت الهی» هرگز جنایت نمی‌کند و خیلی خیلی هم مهربان است. واقعا چه خوب شد که نیویورک تایمز به ما این نکته مهم را گوشزد کرد، ما هم دیگر نمی‌باید بگوئیم که برپائی انتخابات در یک تئوکراسی جز یک شبیه‌سازی مضحک هیچ نیست. از این پس، به دلیل «کشف» نیویورک تایمز و براساس همین براهین گوساله پسند برپائی انتخابات نیز در حکومت اسلامی جمکران شبیه‌سازی نخواهد بود.

«آمدی، وه که چه مشتاق و پریشان بودم!» واقعا ما ملت با بی‌صبری منتظر بودیم تا قلم به مزدهای سازمان سیا در نیویورک تایمز برای مان از «حکومت زمینی» یک «تعریف جامع» و ابلهانه ارائه دهند، که اینکار را هم کردند. اربابان این رسانه عشق عجیبی به اسلام و شهرک‌سازی اسرائیل دارند، به همین دلیل برای ارائه تصویر دلپذیر از اسلام و آیات قرآن شبانه روز تلاش می‌کنند تا از زبان امثال لاله بختیار به ما بگویند، قرآن هیچوقت نگفته زانی که تمکین نمی‌کنند باید کتک نوش جان کنند و ... و مزخرفاتی از این قبیل! پیش از ادامه مطلب در مورد وبلاگ «پادشاه یمن» توضیح دهیم آنچه در مورد افغانستان، به نقل از سایت

«نووستی» نقل شد، فقط شامل «تاریخ تهاجم نظامی، امضاء طرح آشتی ملی در سازمان ملل و تاریخ خروج ارتش شوروی از افغانستان» بود که ما آن را در ارتباط با جنگ عراق قرار دادیم. یادآور شویم در این وبلاگ هر مطلبی که «نقل به مضمون» شود در متن وبلاگ درون «گیمه» قرار می‌گیرد، و نقل قول‌ها همه خارج از متن در «گیمه» گذاشته می‌شود. حال که با مقررات این وبلاگ آشنا شدیم بازگردیم به «تظاهرات مکمل» دو گروه طالبان در حکومت جمکران، با شعارهای گنگ و خشونت‌گستر.

بارها در این وبلاگ توضیح داده‌ایم، باز هم می‌گوئیم، خارج از تعلیق مذاکرات هسته‌ای، تظاهرات غیرمجاز مخالف‌نمایان حکومت جمکران فقط برای توجیه سرکوب مخالفان «واقعی» حکومت اسلامی به راه افتاده و هیچ هدف دیگری دنبال نمی‌کند. چرا راه دور برویم، این تظاهرکنندگان با «شرافت» اگر ریگی به کفش ندارند چرا برای تجمع روز «عاشورا» را برگزیده‌اند؟ مگر این مبارزان راه «حق» علیه «باطل» نمی‌دانند که چنین روزی برای شیعیان «تقدس» دارد و تجمع مخالفان فرضی حکومت شیعی مسلکان در این روز خاص می‌تواند برای «جنبش سبز» زیان‌آور باشد؟ کسی که فعالیت سیاسی می‌کند، علاوه بر آگاهی از شرایط می‌باید از حداقل شعور نیز برخوردار باشد. البته از نظر ما همچنانکه در وبلاگ «پادشاه یمن» هم گفتیم، تظاهرکنندگان عاشورا همان عمده و اکره حکومت بودند. ولی فرض کنیم که ما اشتباه کردیم، و اینان از مخالفان حکومت بوده‌اند، بسیار خوب!

می‌دانیم که وزارت کشور برای تظاهرات عاشورا مجوز صادر نکرده بود و تظاهرات مذکور در هر حال غیر مجاز بوده. حال این سوال مطرح می‌شود که اگر مخالفان فرضی در هر حال مجوز تظاهرات ندارند، چرا برای تظاهرات‌شان روزی را انتخاب کردند که روز سوگواری برای امام سوم شیعیان است، و اگر کسی در این روز سرفه کند، ممکن است به جرم قهقهه زدن در روز شهادت جانگداز «سالار شهیدان» تحت پیگرد قانونی قرار گیرد؟ بالاخره این مبارزان که با حکومت باغ وحش ناتو بیگانه نیستند، مگر در همین حکومت «الهی» برای مبارزه با چکمه‌زنان و کفش و تنبان «موهن» اعلام «جهاد» نکرده‌اند، پس چرا بعضی‌ها نه تنها روز عاشورا تظاهرات می‌کنند، که شعارهای‌شان هم می‌تواند «توهین به مقدسات» حکومت «تعبیر» شود؟

ممکن است افرادی ادعا کنند که رسانه‌های حکومت دروغ می‌گویند، و آن بوزینه‌ای که حکم قتل «محارب با خدا» صادر می‌کند در جریان شعارهای واقعی «مردم» نبوده! ما هم می‌پذیریم و می‌پرسیم شعارهای شما شامل «مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور، یا احمدی‌نژاد، استعفا، استعفاء و غیره» نبوده؟ چرا! علیرغم دروغ‌پردازی رسانه‌های حکومت، شما به این شعارهای مبهم و خشونت‌گستر، یا بهتر بگوئیم به این شعارهای ابلهانه متوسل شدید، و «منابع ما» مؤثقی‌اند. «توهین» به عاشورا و مقدسات را رها می‌کنیم چرا که از نظر ما به راه انداختن «عزاداران حسینی» در خیابان‌ها از طرف هر گروه و هر تشکلی فی‌نفسه نوعی اعمال خشونت است، در نتیجه به گسترش خشونت بیشتر منجر خواهد شد. پس می‌پردازیم به سه شعار «مؤثق» که در بالا به آن اشاره کردیم، تا روشن شود هدف از طرح این شعارها فقط به بیراهه کشاندن مطالبات واقعی ملت ایران است.

به چه دلیل شعار «مرگ» سر می‌دهید؟ مگر، مرگ خامنه‌ای مشکلات ما را حل می‌کند؟ فرض کنیم خامنه‌ای همین امروز بمیرد، مجلس خبرگان بلافاصله یک زباله‌دیگر و یا مجموعه‌ای از زباله‌ها را بجای او خواهد نشانند. به همین است در مورد شعار «مرگ بر دیکتاتور!» مخالف این دیکتاتور - علی خامنه‌ای - هستید، یا به طور کلی با دیکتاتوری مخالف‌اید؟ اگر خواهان برچیده شدن بساط دیکتاتوری هستید، چرا یکبار شعار «زنده باد دموکراسی» از زبان‌تان شنیده نشده؟ با دموکراسی هم مخالف‌اید؟ هیچ اشکالی ندارد، همه نمی‌توانند طرفدار دموکراسی باشند، ولی مخالفان دموکراسی حداقل باید این شهامت را داشته باشند که مطالبات صریح خود را مطرح کرده و به همه بگویند که خواهان دموکراسی نیستند. اما شما آشکارا نمی‌گوئید چه می‌خواهید و برای فریفتن مردم، آنچه را که هیچکس نمی‌خواهد و همه مردود می‌شمارند مطرح می‌کنید تا سربازان بیشتری پیرامون شعارهای پوچ بسیج کنید.

اشکال کارتان همین است که همچون امام دجال‌تان به زبان «پفیوزی» متوسل شده، شعار مبهم «مرگ بر شاه» و «استقلال، آزادی» سر می‌دهید. پس دلیلی ندارد که طرفداران دموکراسی و مدافعان اعلامیه جهانی حقوق بشر از شما حمایت هم به عمل آورند! ما برای همه کسانی که در تظاهرات جان خود را از دست داده‌اند، عمیقاً متاسف‌ایم، ولی حاضر نیستیم از یک فاشیسم تازه نفس در برابر یک فاشیسم فرسوده پشتیبانی کنیم، تا منافع ارتش ناتو در منطقه تضمین شود. منافع ملی ایران هرگز با منافع غرب هم‌سوئی نداشته و نخواهد داشت، غرب استعمارگر است و ما استعمارزده.

شام خونین شد و خورشید نشست
[...]

شب فرود آمد و لغزید به کوه
چیست ای رهگذر این سایه که چالاک چو گرد
می‌شتابد ز پی‌ات از دل این راه سپید
وای بر جان تو، وای!
رهگذر! دیو رسید

استقرار حکومت‌های اسلامی در ایران و سپس در افغانستان و عراق شاهی است بر این مدعا که ارتش جنایتکار ناتو و فرمانده‌اش در ایالات متحد با چنگ و دندان از هر قماش «تئوکراسی» در جهان سوم حمایت خواهند کرد، چرا که حکومت‌های مدعی تقدس الهی منافع اینان را به مراتب بهتر از دیکتاتورهای غیرالهی تأمین می‌کنند. حکومت اسلامی جمکران و به ویژه جنگ ۸ ساله با عراق به بهترین وجه این موضع را ثابت می‌کند. و اگر به سایت «تابناک» نگاهی بیندازیم خواهیم دید که بعضی‌ها در ایران و در عراق خود را برای نبرد با «صدامیان» آماده می‌کنند! به عبارت دیگر زمزمه استقرار حکومت لائیک در عراق به گوش می‌رسد، در نتیجه آنگلساکسون‌ها، در میانمدت ناچارند هر چه «اسلام» طی سده اخیر در منطقه «تولید» کرده‌اند جمع کرده و در ایران و مصر تخلیه کنند، تا از این طریق برنامه شهرک‌سازی اسرائیل و اخراج فلسطینیان در سایه زوزه‌های «فدائیان اسلام» تداوم یابد. طرفداران «جنبش سبز» هم که مسلماً با این برنامه استعماری مخالفانند و فقط به همین دلیل است که شعار «احمدی، استعفاء» سر می‌دهند!

پس طرفداران «جنبش سبز» باید نخست به ما ملت بگویند، اولاً استعفای احمدی‌نژاد چه معجزاتی را در ایران محقق خواهد کرد، ثانیاً به چه دلیل در خیابان خواهان استعفای یک رئیس «جمهور» می‌شوند؟ حتی در دوران امام روشن‌ضمیرتان هم «مردم» رئیس جمهور را در خیابان «عزل» نکرده بودند. در دوران امام‌تان که ارواح شکم‌شان خیلی به «رأی مردم» احترام می‌گذاشتند، نمایندگان محبوب و برگزیده «مردم» به عدم کفایت رئیس جمهور «برگزیده» و محبوب و مردمی «رأی» دادند بعد «مردم» در گروه‌های ۶ یا ۷ نفره به خیابان شاهرضا ریختند تا از برکناری بنی‌صدر حمایت کنند! تعداد مردم کذا در تقاطع خیابان پهلوی و شاهرضا، بی‌اغراق بگوئیم به ۲۰ نفر هم بالغ نمی‌شد. چند ریشو با پیراهن مشکی شعار «مرگ بر بنی‌صدر» می‌دادند، چند چادرسیاه هم پشت‌سرشان می‌دویدند و کسانی که برای خواندن «روزنامه‌های دیواری» مخالفان رهبر کبیر جمع شده بودند به مراتب تعدادشان از «مردم» بیشتر بود. ولی رسانه‌ها اعلام کردند توده‌های «مردم» به طرفداری از حکم «امام» به خیابان آمدند!

آنروزها اینترنت در دسترس نبود تا دروغ رسانه‌ها فاش شود، امروز این امکان وجود دارد در نتیجه شایعه‌پراکنی و مهمل‌بافی‌های رسانه‌های جمکران و بوق‌های استعمار برد چندان‌نی نخواهد داشت! و بی‌دلیل نیست که رادیوفردها و شرکاء همه اوباش و مداحان سازمان سیا را

از آستین بیرون کشیده‌اند تا برای مان «تحلیل» و تفسیرهای گوساله‌پسند ارائه دهند و ثابت کنند در شبه‌انتخابات یک تئوکراسی منفور که موجودیت سی‌ساله خود را فقط مدیون دروغ و تقلب استعمار است، بیش از ۴۰ میلیون ایرانی شرکت کرده و به میرحسین موسوی جلاد هم رأی داده‌اند، ولی از آنجا که احمدی‌نژاد تقلب کرده، اکنون ملت ایران از داشتن رئیس‌جمهور شریف و با وجدان و درست‌کاری همچون موسوی محروم شده‌اند! آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات کذا نیز همچون خود «حکومت اسلامی» ساخته و پرداخته آبدارخانه سازمان سیا است. با توجه به این مسائل عده‌ای روز عاشورا تظاهرات می‌کنند و خواهان استعفای احمدی‌نژاد می‌شوند! متأسفانه مطالبات ما استعفای احمدی‌نژاد نیست، به چند دلیل.

نخست اینکه گروه موسوی هرگز نتوانست شایعه تقلب را به اثبات برساند، دیگر آنکه در عرصه بین‌المللی، شایعه کذا فقط برای انحراف افکار عمومی از قانون‌شکنی دو اهرم استعمار غرب، یعنی حاکمیت اسرائیل و حکومت جمکران به راه افتاده و بس. ایالات متحد و به ویژه انگلستان اصرار دارند حکومت اسلامی را همچون پاکستان به سلاح اتمی مجهز کنند تا زمینه عربده‌جوئی دولت اسرائیل از دست نرود. به همین دلیل رادیوفردا ایرانی‌نمایان ساکن ینگه دنیا را ردیف کرده تا همه طوطی‌وار تکرار کنند که «مذاکرات هسته‌ای اهمیتی ندارد، اولویت با حقوق بشر است!» بله، پس از پروفیسور حاج عباس میلانی، اهالی رادیوفردا تک‌خال برنده را

رو کرده یک مسلمان‌زاده سابق را که برای کسب محبوبیت «زرتشتی» شده به صحنه آورده‌اند تا مطالبات حاکمیت آمریکا را از دهان او بیرون بکشند. اینروزها هوچی‌ها و رجاله‌های ایرانی‌نما مسیر سیاست حاکمیت آمریکا را از قضای روزگار در جهت اهداف پنتاگون تعیین می‌کنند. روشن‌تر بگوئیم چشم‌انداز صلح در منطقه آنگلساکسون‌ها را سخت به هراس افکنده و اینان همچون کشتی‌شکستگان به هر تخته پاره‌ای متوسل می‌شوند تا «حقوق بشر» را در «مذاکرات هسته‌ای» بگنجانند! مذاکراتی که هدف اصلی‌اش تبدیل ایران به سپر بلای سیاست‌های نظامی آمریکا در برابر روسیه است، و حقوق بشری که یانکی‌ها به هیچ عنوان حاضر به رعایت‌اش در کشور ایران نخواهند بود.

پای چالاک کن این سایه اوست
نقش آن اهرمن‌ست اینکه در افتاده به سنگ
(فریدون توللی)